



گانو شینگن که از دریافت جایزه بسیار شگفت‌زده شده می‌گوید: «حتی در طی انقلاب فرهنگی وحشیانه ماو تسه‌تونگ (۱۹۶۶-۱۹۶۶)، نوشتن برای من وسیله رستگاری بود.»

گانو به خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌گوید: «من در چین، به هیچ کس حتی به خانواده‌ام هم اعتماد نمی‌کنم، بنابه گفته بی‌لینگ Bel Ling شاعر و دوست تبعیدی گانو: «همسر گانو از طرف دولت به مردم گفت: شینگن در خانه آثار ادبی می‌نویسد، این نشان می‌دهد که ادبیات بسیار خطرناک تلقی می‌شود.»

گانو در مصاحبه‌اش زیاد وارد جزئیات نمی‌شود. در زمان انقلاب فرهنگی، برای مردم ترک کردن عزیز و یارشان که آماج متعصبان شده بود کار عجیب و غریبی نبود و اینک ۱۴ سال است که گانو در فرانسه زندگی می‌کند. فرانسه را بدون اشتباه صحبت می‌کند و تبعه این کشور شده است. او استاد نمایشنامه‌نویسی فرانسه است و زندگی ساده و بی‌الایشی را سپری می‌کند.

دولت چین از زمان اعطای جایزه نوبل صلح ۱۹۸۹ به دالایی لاما، به آکادمی نوبل مشکوک شده است. گانو می‌گوید که قصد ندارد از طریق جایزه‌اش سوءاستفاده سیاسی کند. او می‌گوید: «هیچ رابطه‌ای با دولت چین ندارم، بنابراین می‌توانم بدون به خطر انداختن خانواده و نزدیکانم آزادانه عقاید خود را بیان کنم.» بی‌لینگ شاعر می‌گوید: «گانو از جوان‌گانو را نمی‌شناسند. آثار او به جای چین، در هنگ‌کنگ و تایوان منتشر می‌شود. به گفته این شاعر چهل ساله بسیاری از نویسندگان کمتر از سی‌وپنج سال گانو را نمی‌شناسند. یکی از فارغ‌التحصیلان چینی به نام وینگ شن‌دا Wang Shenda با احساس غرور از انتخاب آکادمی نوبل می‌گوید: «از این که یک چینی برنده نوبل شده، من به خود می‌بالم.»

شو یی Shu Yi مدیر موزه ملی ادبیات نوین چین و پسر نمایشنامه‌نویس بزرگ لائو شی Lao She می‌گوید: «من به گانو تبریک می‌گویم، اما در واقع صد‌ها نفر دیگر هستند که من آن‌ها را برای دریافت این جایزه شایسته‌تر می‌دانم.»

رسانه‌های دولت چین هیچ خبری درباره این جایزه ندادند. اما در شبکه On Line چین، بین افرادی که بسیار خوشحال شده و آن‌هایی که گانو را شخص خائن و شیادی می‌دانند، بحث و مناظره شدیدی در گرفته است. در تایوان، گانو بسیار مورد تحسین و تمجید قرار می‌گیرد. بی‌لینگ می‌گوید: «هر وقت که به چین بازمی‌گشتم، گانو از من خواهش می‌کرد که به آن‌جا نروم، او می‌گفت: شما در محیطی همچون چین زندگی خود را به خطر می‌اندازید. گرچه نویسندگان دیگر به خاطر تخطی از قوانین ایدئولوژیکی محکوم به مرگ نمی‌شوند، اما هنوز، حزب به طور وسیعی نشریات را کنترل می‌کند. سانسورچی‌های حزب، در سال جدید برای سختگیری و گوشمالی شدیدتر سبزه انتشاراتی را به طور موقت و یکی دیگر را به علت چاپ آثار بحث‌انگیز برای همیشه تعطیل کرده‌اند. شی تائو Shi Tao مدیر یک انتشاراتی و یکی از دوستان گانو می‌گوید: «در چین نویسندگان نمی‌توانند با یک روند فکری ثابت بنویسند، بلکه خودشان باید نوشته‌هایشان را سانسور کنند. معنی نویسنده بودن در چین این چنین است؛ شما نمی‌توانید بی‌پرده سخن بگویید وگرنه مجبور می‌شوید این کشور را ترک کنید.» شی اضافه می‌کند: «احتمالاً هدف هیات نوبل، تشویق و ترغیب نویسندگان برای تحمل هر چه بیشتر آزار و اذیت مخالفان بوده است. فکر می‌کنم دولت از این مسأله شرمسار شده، زیرا آن‌ها واقعا در وضعیت بدی قرار گرفته‌اند.»

گانو در حالی که به فرانسه صحبت می‌کند، می‌گوید: «من هنرمندی هستم که میان نقاشی‌هایم زندگی می‌کنم. نوشتن دل‌خوشی من است.» مای پینگ شن Mai Ping Chen یکی از دوستان شخصی گانو، به خبرگزاری رویتر در استکهلم می‌گوید: «این جایزه حامی خوبی برای نویسندگان تبعیدی است. او نمی‌تواند به چین بازگردد. نام او در لیست سیاه است.»

با این که آکادمی سوئد یکی از بزرگترین نویسندگان چینی زبان را محترم می‌شمارد، اما به نظر می‌رسد که هدف آن‌ها از انتخاب این چینی مخالف دولت، رنجاندن مقامات پکن باشد. آکادمی از هر گونه اظهار نظر سیاسی درباره اعطای این جایزه به نویسنده‌یی که در کشورش عنصر نامطلوب به حساب می‌آید، خودداری می‌کند.

هوراس انگدال Horace Engdahl منشی ثابت آکادمی در مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید: «اما هیچ گونه نگرانی سیاسی و یا جغرافیایی نداریم. ملاک و معیار برای انتخاب اثر فقط ویژگی و خصوصیت برجسته آن است.»

گانو خالق بزرگ رمان و نمایشنامه‌ها و نیز نویسنده‌یی است که دانش جهانی‌اش را در اختیار تمام خوانندگان دنیا می‌گذارد. انگدال درباره رمان سترگ شینگن (کوه روح) می‌گوید: «فکر می‌کنم به جرأت بتوان گفت که این رمان، نه تنها در ادبیات چین، بلکه یکی از برجسته‌ترین آثار مخلوق ادبیات نوین در جهان است.»

برنده نوبل ادبی ۲۰۰۰ می‌گوید: «فکر می‌کنم از این که جایزه نوبل ادبی این سال را برده‌ام، واقعا معجزه‌یی رخ داده است. نمی‌دانم چه بگویم.»

نول دوتره Noel Dufrail مترجم فرانسوی آثار گانو می‌گوید: «گانو خود را یک مخالف نامید، زیرا او از کشورش چین، گریخته بود و تا زمان عوض شدن رژیم قصد بازگشتن نداشت. گانو هیچ‌گاه به دولت چین دادخواستی نداده، دوتر در گفت‌وگوی تلفنی با رویتر می‌گوید: «او انسان رنوف و دلچسبی است، اما این خصوصیات او را از قضاوت‌های تند و نیشدارش باز نمی‌دارد، لیلیان، همسر دوتره که خود نیز آثار گانو را ترجمه می‌کند می‌افزاید: «من اولین بار گانو را در سال ۱۹۷۸، زمانی که به همراه گروهی از نویسندگان چینی به فرانسه آمده بود، ملاقات کردم او می‌گوید: «گانو بعدها آثار نویسندگانی همچون اوژن یونسکو و ساموئل بکت را به زبان چینی ترجمه کرد.»

دوستان
گانو شینگن

چه
می‌گویند؟